

## عنوان مقاله:

فرهنگ از دیدگاه نظریه پردازان مکتب فرانکفورت (تحلیلی بر مبنای هستی شناختی، معرفت شناختی و روش شناختی)

## محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی روان شناسی و علوم رفتاری (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

شهلا باقری - دکتری و دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی تهران

داود مهدوی کنده - دانشجوی دکتری رشته علوم اجتماعی- سیاست گذاری فرهنگی، دانشگاه خوارزمی تهران

## خلاصه مقاله:

سوال اصلی مقاله حاضر تبیین جایگاه فرهنگ در مکتب فرانکفورت با رجوع به سه عنصر کسب شناخت یعنی هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی می باشد. این مقاله از نظر روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی می باشد. تکنیک جمع آوری داده ها بهره گیری از مطالعه کتابخانه ای (کتاب، مجلات، مقالات) است. برای تحلیل فرهنگ در بحث هستی شناسی- این مکتب برداشت های خردگرا از سرشت و کنش انسانی را به چالش می کشد. چشم اندازی در زمانی و همچنین به مادیگری تاریخی تأکید دارد. در صدد تغییر وضع موجود می باشد و از نظر آنان گفتگوی متفاوت به ویژه در سطح بین فرهنگی می تواند به عنوان ابزاری برای شکل دادن به فهمهای جدید از سیاست جهانی منجر می شود از لحاظ معرفت شناسی، رویکرد دیالکتیک انتقادی دارد و اثبات گرایی، عینی گرایی و تجربی گرایی را رد می کند. این دیدگاه با گذر از عقلانیت ابزاری، عقلانیت جوهری یا خرد را برای پاسخگویی به مسائل فرهنگی و هنجارهای انسانی مطرح می گردد. در بحث روش شناسی، روش مطالعاتی مکتب فرانکفورت، انتقادی است. بدین منظور از ذهن گرایی، دیالکتیک و هرمنوتیک استفاده می شود. می توان گفت که کانون تسلط در جهان نوین از اقتصاد به قلمرو فرهنگی انتقال یافته است.

## کلمات کلیدی:

جامعه شناسان مکتب فرانکفورت، فرهنگ، هستی شناسی، معرفت شناسی، روش شناسی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/385680>

